بررسی و سنجش عوامل مؤثر بر ایجاد وقفه‌های مالیاتی در نظام مالیاتی ایران (مطالعه موردی اداره کل امور مالیاتی استان مازندران)

سیدعلی نبوی چاشمی[1]
ناصر برزگر تهمتن[2]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۱۲

چکیده

هدف این پژوهش بررسی و سنجش عوامل مؤثر بر ایجاد وقفه‌های مالیاتی در نظام مالیاتی ایران می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل اطلاعات پرونده‌های مالیاتی گروه اشخاص حقوقی فعال در بخش تولید اداره کل امور مالیاتی استان مازندران است که طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ اظهارنامه مالیاتی تسلیم نموده اند و طی مراحل رسیدگی به مالیات آن‌ها، دفاتر و اسناد و مدارک ارائه نموده و با بررسی اسناد و مدارک مذکور مالیات قطعی آن‌ها تعیین گردیده و به مرحله وصول رسیده است که مجموعاً شامل ۲۲۵ سال –پرونده مالیاتی مربوط به ۴۵ شرکت بوده‌اند. نتایج این پژوهش بیانگر آنست که زمان‌های مرتبط با فرآیند رسیدگی مالیاتی و صدور برگ قطعی مالیات و وصول مالیات قطعی شده دارای آرایش تصادفی نمی‌باشند و عوامل نحوه رسیدگی به دفاتر یا تشخیص علی الرأس، مرحله قطعیت مالیات، اختلاف استانداردهای حسابداری و قانون مالیات‌های مستقیم و اختلاف درآمد مشمول مالیات تشخیصی به قطعی و عدم گسترش و ترویج کارآمد فرهنگ مالیاتی به ترتیب بر وقفه مالیاتی مؤثر می‌باشند که با توجه به بیشترین زمان صرف شده در فرآیند وصول مالیات مربوط به زمان رسیدگی پرونده، فاصله تسلیم اظهارنامه مالیاتی توسط مؤدی و صدور برگ تشخیص و ثانیاً مربوط به زمان قطعیت پرونده (بعد از ابلاغ برگ تشخیص و بررسی اعتراض مؤدی و صدور برگ قطعی) می‌باشد که اولی مربوط به پیچیدگی قانون، نحوه رسیدگی به دفاتر یا علی الرأس و اختلاف استانداردهای حسابداری و قانون مالیات و نیز نارسایی‌های موجود در فرآیندهای رسیدگی سازمان امور مالیاتی، حجم زیاد پرونده‌ها و عدم برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی پرونده‌ها جهت رسیدگی و دومی علاوه بر عوامل فوق مربوط به گسترش فرهنگ مالیاتی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: قوانین و مقررات مالیاتی، فرهنگ مالیاتی، وقفه مالیاتی

۱. دانشیار گروه مدیریت بازرگانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران، (نویسنده مسئول)،Anabavichashmi2003@gmail.com
۲. گروه مدیریت بازرگانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابل، n.barzegar90@gmail.com

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

۱ – مقدمه

مالیات از منابع بسیار مهم درآمدی دولت می‌باشد. از این رو در نیل به اهداف اقتصادی مانند عدالت اجتماعی، تخصیص منابع، ثبات اقتصادی و توزیع مجدد درآمد نقش مهمی ایفاء می‌نماید. مالیات با توجه به اهمیتی که در اقتصاد کشور دارد یکی از مهم ترین ابزارها در جهت تعدیل ثروت و توزیع مجدد درآمد محسوب می‌شود. لذا با توجه به نقش گسترده و قابل توجه دولت در جهت‌دهی به فعالیت های اقتصادی و اجتماعی، ضروری است که بحث چگونگی وصول درآمدهای حقیقی مالیاتی مورد بحث قرار گیرد تا بر اساس آن نظام مالیاتی به نحوی اصلاح گردد که درآمدهای مالیاتی در زمان مقرر برای ارائه بهتر خدمات عمومی دولت تأمین گردد. از آنجا که جمع‌آوری به موقع و بدون تأخیر بر برنامه‌ریزی‌های دقیق تر اقتصادی توسط دولت‌ها تأثیراتی انکار نشدنی خواهد گذاشت، توجه به این مسئله در حوزه مباحث مالیاتی حائز اهمیت بسیاری است.

وقفه مالیاتی به منزله تأخیر بین زمان تحقق درآمد مشمول مالیات و وصول مالیات می‌باشد. به زبان ساده وقفه در وصول مالیات را می‌توان تأخیر به وجود آمده مابین زمان تعیین شده جهت دریافت مالیات از مؤدی و زمان واقعی پرداخت مالیات توسط مؤدی بیان نمود. این تأخیر زمانی در شرایط گوناگون اثرات مختلفی بر اقتصاد کشور خواهد گذاشت. هنگامی که درآمدهای مالیاتی با وقفه ای چندماهه جمع‌آوری می شوند، اساساً به دلیل وجود تورم مقداری از ارزش اسمی خود را از دست می دهند. همچنین هرچه وقفه‌های جمع‌آوری مالیات بیشتر باشد، فرصت برای فرار و اجتناب مالیاتی نیز افزایش می یابد و در هر دو حالت میزان درآمدهای بالقوه دولت کاهش می یابد. به‌طور مشخص هرچه زمان تأخیر در جمع‌آوری مالیات کمتر باشد، امکان افزایش درآمد حقیقی مالیاتی بیشتر است، اما تأخیرهای طولانی در جمع‌آوری مالیات همراه با نرخ تورم نسبتاً بالا موجب کاهش شدید درآمدهای مالیاتی حقیقی می‌شود. از این‌رو بررسی و سنجش عوامل مؤثر بر ایجاد وقفه‌های مالیاتی در نظام مالیاتی ایران می‌تواند در تنظیم سیاست‌های مالی دولت نقش مهمی داشته باشد. این مقاله ابتدا به مبانی نظری و پیشینه تحقیق پرداخته و سپس فرضیه‌ها و روش پژوهش ارائه شده و در نهایت یافته‌ها، نتیجه‌گیری و پیشنهادات مطرح می شوند.

۲- مبانی نظری

تورم یا افزایش سطح عمومی قیمت‌ها بر بخش‌های مختلف اقتصادی تاثیرگذار است. سیستم مالیاتی یکی از حوزه‌های متاثر از تورم است. در صورت وجود تورم در اقتصاد، حفظ ارزش درآمدهای مالیاتی و کاهش نابرابری‌ها و اختلالات ناشی از تورم در سیستم مالیاتی، ضروری می‌باشد. وجود نابرابری‌های مالیاتی، میزان رعایت قانون از طرف مؤدیان را کاهش می‌دهد. به عنوان مثال مؤدیانی که در شرایط

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

تورمی، مالیات خود را با تأخیر پرداخت می‌کنند، نسبت به حقوق بگیران از مزیت بیشتری برخوردارند. وقفه مالیاتی به منزله تأخیر بین زمان تحقق درآمد مشمول مالیات و وصول مالیات می‌باشد. سرعت عمل و همچنین کوشش سازمان امور مالیاتی در وصول مالیات‌ها، از شاخص‌های مهم کارایی نظام مالیاتی است. وقفه در اجرای فرآیند تشخیص و وصول درآمدهای مالیاتی به عنوان یک عامل منفی در ارزیابی عملکرد نظامهای مالیاتی تلقی می‌شود. بررسی وقفه‌های مالیاتی هم در تحقیقات خارجی و هم تحقیقات داخلی دارای پیشینه مطالعاتی است. ویژگی مشترک این مطالعات این است که در همه آن‌ها وقفه‌های مالیاتی عموماً از جنبه‌های تأثیر آن بر کاهش ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی مدنظر قرار گرفته‌اند (زمانی،۱۳۷۸).

به منظور بررسی دقیق وقفه‌های مالیاتی، قبل از هر چیز باید به تفکیک علل ایجاد کننده این نوع وقفه‌ها پرداخت. ویتو تانزی وقفه‌های مالیاتی یا تأخیر در جمع‌آوری مالیات‌ها را به عنوان «فاصله زمانی که طی آن مالیات باید پرداخت شود، با زمانی که مالیات واقعاً پرداخت می‌شود» تعریف می‌کند. ولی بر همین اساس وقفه در پرداخت مالیات را به دو بخش تأخیر قانونی و تأخیر غیر قانونی تقسیم می‌کند (بهاءالدین، ۱۳۸۳ :۲).

منظور از وقفه‌های قانونی «فاصله زمانی بین موعد مقرر قانونی پرداخت مالیات با زمان تحقق درآمد مشمول مالیات» است. بدیهی است که این بخش از وقفه‌ها تنها در حدود تعیین حداقل مهلت لازم برای تأدیه بدهی مالیاتی پس از تحقق درآمد قابل قبول‌اند، و باید قوانین مالیاتی به گونه‌ای تنظیم شوند که پرداخت‌های مالیات در سریع‌ترین زمان ممکن تحقق یابند. مهلت قانونی پرداخت مالیات طبق مواد (۱۰۰)، (۱۵۶) و (۲۲۶) قانون مالیات‌های مستقیم چنانچه مؤدی نسبت به برگ تشخیص صادره از اداره کل امور مالیاتی معترض نباشد به این صورت است:

ماده (۱۰۰): مؤدیان موضوع این فصل قانون مکلفند اظهارنامه مالیاتی مربوط به فعالیت شغلی خود را در یک سال مالیاتی برای هر واحد شغلی یا برای هر محل جداگانه طبق نمونه‌ای که به وسیله سازمان امور مالیاتی کشور تهیه خواهد شد تنظیم و تا آخر تیر ماه سال بعد به اداره امور مالیاتی محل شغل خود تسلیم و مالیات متعلق را به موجب نرخ مذکور در ماده (۱۳۱) این قانون پرداخت نماید.

ماده (۱۵۶): اداره امور مالیاتی مکلف است اظهارنامه مؤدیان مالیات بر درآمد در خصوص درآمد هر منبع را که در موعد مقرر تسلیم شده‌است، حداکثر تا یک سال از تاریخ انقضای مهلت مقرر برای تسلیم اظهارنامه رسیدگی نماید، در صورتی که ظرف مدت مذکور برگ تشخیص درآمد صادر ننماید یا تا ۳ ماه پس از انقضای یک سال فوق برگ تشخیص درآمد مذکور را به مؤدی ابلاغ نکند، اظهارنامه مؤدی قطعی تلقی می‌شود.

تبصره ۱ ماده ۹۵ ق. م. م: در اجرای بند ۳ این ماده دو ماه به مهلت رسیدگی موضوع ماده ۱۵۶ ق. م. م اضافه

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

می‌شود. به عبارت دیگر در (قانون مالیات‌های مستقیم) مالیات بر مشاغل وقفه قانونی برای یک مؤدی چنانچه مالیات قطعی شده خود را به موقع پرداخت نماید ۱۹ ماه محاسبه شده‌است:۱۹ ماه= ۳ + ۴ + ۱۲(ثانی،۱۳۹۲: ۷۶ – ۷۷).

این بخش از تأخیرها در وصول به موقع درآمدهای مالیاتی به دو انگیزه ۱. تلاش مؤدیان مالیاتی در جهت گریز مالیاتی؛ ۲. به تعویق انداختن پرداخت بدهی‌های مالیاتی و استفاده از منافع حاصل از این تأخیر به ویژه در شرایط تورمی است. از نظر اقتصادی، تورم در جهت منافع بدهکاران (و به زیان بستانکاران) است و هر چه میزان تورم و مدت به تأخیر افتادن پرداخت بدهی‌ها بیشتر باشد، میزان این زیان بیشتر است. گرچه این تلاش از جهت امکان گریز مالیاتی نهایتاً ناموفق مانده است، لیکن از جهت کاهش ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی، تأخیر مذکور به ویژه در نرخ‌های تورم بالا می‌تواند یک نوع موفقیت برای این بخش از مؤدیان مالیاتی به حساب آید. عوامل متعددی در شکل‌گیری این وقفه‌ها مؤثرند، لیکن نارسایی‌های نظام مالیاتی و عدم وجود فرهنگ غنی مالیاتی از جمله اهم این عوامل‌اند. کاهش این نوع وقفه‌ها علاوه بر نیاز به برخورداری از یک سازمان مالیاتی کارآمد، از طریق افزایش انگیزه‌های تشویقی پرداخت مالیات و پرداخت به موقع مالیات و نیز افزایش نرخ مؤثر واقعی جرایم تأخیر در پرداخت نیز تا حد زیادی امکان‌پذیر است (زمانی، ۱۳۷۸: ۷۰). عوامل بسیاری در ایجاد وقفه‌ها مؤثر بوده که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ناکارآمدی سازمان امور مالیاتی در وصول جریمه‌های ناشی از تأخیر پرداخت مالیات که انگیزه مؤدیان را در ایجاد وقفه تشویق می‌کند؛ ناصحیح بودن قوانین مالیاتی یا عدم وجود قانون مالیاتی جامع که دارای ضعف‌ها و معافیت‌های مالیاتی فراوان بوده، بنابراین زمینه را برای فرار قانونی مؤدیان سودجوی مالیاتی فراهم می‌نماید؛ عدم وجود فرهنگ مالیاتی که از عدم اطمینان مردم نسبت به استفاده بهینه و توزیع عادلانه این درآمدها در جامعه نشأت می‌گیرد؛ وجود تورم بالا که منجر به افزایش انگیزه جهت به تعویق انداختن تعهدات مؤدیان می‌شود؛ عدم وجود بانک اطلاعات جامع مالیاتی که موجب می‌گردد اطلاعات به روز از مؤدیان مالیاتی در دست نباشد که این موضوع خود موجب وقفه در وصول مالیات می‌باشد؛ نداشتن کنترل لازم مدیران مالیاتی نسبت به کارکنان خود که از عدم تعهد و عدم مسئولیت‌پذیری آن‌ها ناشی می‌شود (ثانی، ۱۳۹۲ :۷۷ – ۷۸).

تأخیر و وقفه در وصول مالیات (اعم از قانونی و غیر قانونی) منجر به کاهش ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی، تبعیض میان مؤدیان مالیاتی (تسریع در مالیات حقوق از یک سو و تأخیر در مالیات اشخاص حقوقی و اشخاص حقیقی از سوی دیگر)، کاهش انگیزه پرداخت مالیات (منجر به تضعیف فرهنگ مالیاتی و کاهش درآمدهای اسمی مالیاتی)، کسری بودجه برای دولت و تشدید تورم خواهد شد. از سوی دیگر، نحوه تشخیص، اعتراض‌ها،

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

اقدام‌های اجرایی برای وصول و ...، فرصت کافی برای ایجاد تأخیر در روند امور را برای مؤدّی فراهم می‌سازد. از این رو مطالعه در خصوص بررسی و سنجش عوامل تأثیرگذار در زمینه وقفه در وصول مالیات و یا تأخیر در پرداخت و زیان‌های ناشی از آن از اولویت‌های نظام مالیاتی به ویژه در شرایط دوره‌های تورمی بلندمدت اقتصاد کشور محسوب می‌شود. هدف از این پژوهش ایجاد زمینه‌ای برای توجه دولت است، که از طرفی مالیات را به عنوان یک اهرم سیاست‌های اقتصادی در اختیار دارد، و از طرف دیگر منبع درآمد بسیار مهم برای او به حساب می‌آید. یکی از مواردی که این کارائی را از مالیات سلب می‌کند، زیان‌هایی است که تأخیر در جمع‌آوری آن ناشی می‌شود. کاهش زمان وقفه از طریق تدابیری مانند روش برقراری مالیات‌های جدید با تأخیر کم، مانند مالیات بر ارزش افزوده، تجدید نظر در قوانین و مقررات مالیاتی در جهت کاستن تأخیرات قانونی، اعمال نرخ بهره و جرائم متناسب با میزان بدهی و تأخیرات و همچنین تشویق‌های مناسب جهت پرداخت زودتر مالیات، اعمال سیاست پیش پرداخت علی‌الحساب، پرداخت مالیات بر اساس درآمد تعدیل شده و یا نرخ‌های تعدیل شده و یا شاخصی کردن بدهی‌های مالیات امکان‌پذیر است.

۳- پیشینه تحقیق

در حال حاضر، در زمینه فرار از پرداخت مالیات در داخل و خارج از کشور پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته، که این موضوع نشان‌دهندهٔ اهمیت مالیات در کشورهای مختلف است اما تعداد تحقیقاتی که موضوع وقفه مالیاتی را بررسی کرده باشند، بسیار کم است. از نمونه پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه می‌توان به مطالعات زیر اشاره کرد:

سایدو و داودا (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان فرار مالیاتی و متهم ساختن نحوه مدیریت، در بخش غیررسمی نیجریه اشاره کرد که، عدم رعایت عدالت مالیاتی در میان افراد صاحب قدرت و صاحب نفوذ و مؤدیان دیگر، و همچنین وجود مدیران غیرمتخصص و متخلف در سازمان‌ها عوامل مهمی از دیدگاه مؤدیان بر فرار مالیاتی است.

اکویگال ایبادین و ایی (۲۰۱۳) در تحقیقی فرار مالیاتی در میان افراد خود اشتغال نیجریه را مطالعه کردند، که نتایج نشان داد پیچیدگی فرم‌های مالیاتی و تشریفات موجود در روند پرداخت مالیات تأثیرگذارترین عامل بر فرار مالیاتی است.

ادبیسی و جی بیگی (۲۰۱۳) در پژوهشی با هدف تعیین دلایل فرار مالیاتی، عدم رعایت عدالت در میان مؤدیان را مهم‌ترین عامل فرار مالیاتی بیان کردند.

معظم مقال و اکرم (۲۰۱۲) و اودیل، فاگبمی (۲۰۱۰) نیز در تحقیقاتی، نبود تشویق‌های مالیاتی برای مؤدیان خوش حساب و تنبیه برای مؤدیان خاطی را به عنوان عوامل مهمی در فرار مالیاتی معرفی کردند.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

راویسانکار و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی که به منظور کشف فرار مالیاتی بر روی شرکت‌های چینی انجام دادند، از روش‌هایی چون شبکه های عصبی، ماشین‌بردار پشتیبان، برنامه‌ریزی ژنتیک، شبکه عصبی گروهی مدیریت داده‌ها، رگرسیون لجستیک و شبکه عصبی احتمالی استفاده کردند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که هیچ یک از این مدل‌ها دقت کافی در کشف و شناسایی عوامل فرار مالیاتی را نداشتند و استفاده از آزمون t، میانگین دقت عوامل فرار مالیاتی را بین۷۰ تا ۹۲درصد پیش‌بینی نمود.

ریچاردسون (۲۰۰۶) در پژوهشی عوامل تعیین کننده فرار مالیاتی را مورد بررسی قرار داد و از روش اقتصادسنجی داده‌های پانل استفاده کردند. یافته‌های ایشان نشان داد که متغیر پیچیدگی مالیاتی بر فرار مالیاتی تأثیر مثبت و معنادار داشته و متغیرهای سطح تحصیلات، انصاف مالیاتی و روحیه مالیاتی دارای تأثیرات منفی و معنادار بر فرار مالیاتی بوده‌اند.

کریستو دولایکس (۱۹۹۴) در تحقیق خود با عنوان وقفه‌های جمع‌آوری مالیات و تورم حداکثری اقتصاد یونان را مورد بررسی قرار داده است. در این تحقیق، وی به این موضوع پرداخته است که وقتی پرداخت مالیات‌ها با وقفه صورت می گیرد، تورم بخشی از ارزش حقیقی درآمدهای مالیاتی را از بین می برد. نتایج تحقیق بیانگر آن است که کاهش تورم در اقتصاد کشور یونان، مجموع درآمدهای حقیقی مالیاتی جمع آوری شده را افزایش می دهد.

چودری (۱۹۹۱) وجود وقفه‌های مالیاتی را در ۲۸ کشور در حال توسعه از جمله ایران طی دوره ۱۹۸۷ – ۱۹۷۰ با استفاده از روش داده‌های گروهی بررسی کرده است که کشش درآمدی برای ایران ۱/۴۳ و وقفه جمع‌آوری مالیات‌ها حدود ۴ ماه تخمین زده شده است. یافته‌های تجربی برای تعداد زیادی از کشورها این فرضیه را که افزایش تورم منجر به کاهش درآمدهای حقیقی می‌شود تأیید می کند. همچنین چودری در پژوهش دیگری وقفه جمع‌آوری مالیات برای ایران را حدود ۷/۵ ماه برای دوره ۱۹۸۷–۱۹۷۷ تخمین زده است. نتیجه هر دو پژوهش این است که در کشورهای در حال توسعه به دلیل وقفه‌های طولانی در جمع‌آوری مالیات و وجود کسری‌های بودجه، افزایش تورم منجر به کاهش درآمدهای حقیقی می‌شود.

تانزی (۱۹۹۰) با استفاده از الگوهای اقتصادسنجی به مقایسه نسبی بین هزینه تأمین مالی تورمی (کاهش درآمدهای حقیقی مالیاتی) و فایده های حاصل از آن (افزایش درآمدهای مالیاتی به خاطر افزایش تورم) پرداخته است. نتیجه اصلی این پژوهش این است که وجود وقفه ها در جمع آوری مالیات‌ها، درآمدهای حاصل از تأمین مالی تورمی را تحت تأثیر قرار می دهد. در نهایت این پژوهش نشان داد که ادبیات اقتصادی در خصوص تأمین مالی تورمی فقط با یک مورد خاص سر و کار دارد و آن عبارت است از آنکه تورم درآمدهای حقیقی مالیات را

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

تحت تاثیر قرار نمی دهد در صورتی که این شرط صادق نیست.

فیل سرایی و مجردی (۱۳۹۶) در تحقیقی به بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی بر عدالت اجتماعی از دیدگاه کارکنان اداره کل امور مالیاتی استان خراسان شمالی پرداخته که جامعه آماری کلیه کارکنان بخش مالیات بر ارزش افزوده به تعداد ۲۰۰ نفر بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی و رابطه کوکران حجم نمونه آماری ۱۳۲ نفر برآورد شد. روش تحقیق حاضر توصیفی پیمایشی بود. ابزار جمع‌آوری داده‌ها دو پرسشنامه؛ محقق ساخته فرار مالیاتی و عدالت اجتماعی بودند. نتایج یافته‌های پژوهش نشان داد که عوامل نرخ بالای مالیات، قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی، سرمایه اجتماعی و تورم بر فرار مالیاتی تأثیر معناداری دارند. نتایج بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی بر عدالت اجتماعی نشان داد که نرخ بالای مالیات، قوانین پیچیده مالیاتی و تورم بر عدالت اجتماعی تأثیر معناداری ندارند، ولی سرمایه اجتماعی بر عدالت اجتماعی تأثیر معناداری دارد.

کریمی پتانلار و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر اثربخشی دولت بر کاهش فرار مالیاتی در کشورهای منتخب پرداختند و از روش داده‌های تابلویی برای آزمون‌ها استفاده کردند. یافته‌های پژوهش آن‌ها حاکی از تأثیر منفی متغیرهای تولید ناخالص داخلی سرانه، روحیه مالیاتی، درجه باز بودن اقتصاد و سهم نسبی بخش‌های صنعت و خدمات بر فرار مالیاتی داشت. همچنین یافته‌ها نشان داد که متغیرهای بار مالیاتی و نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت بر فرار مالیاتی تأثیر مثبتی داشته‌اند.

سلطان حسینی و همکاران (۱۳۹۴) در بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای، دریافتند که در میان عوامل قانونی، شفاف نبودن اطلاعات مالی باشگاه‌ها، در میان عوامل فرهنگی، طرز تلقی اشتباه ورزشکاران نسبت به پرداخت‌های مالیاتی، در میان عوامل حقوقی، عدم ضمانت اجرایی توسط نهادهای ذیربط بر باشگاه‌ها و در میان عوامل مدیریتی، دولتی بودن بیشتر باشگاه‌های ورزشی فعال در کشور و میان عوامل اقتصادی، عامل عدم پرداخت به موقع مبلغ قرارداد ورزشکاران، در اولویت قرار گرفتند.

هادیان و تحویلی (۱۳۹۲) در شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران که از یک الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده برای دوره ۱۳۳۱– ۱۳۰۲ استفاده کردند، نشان دادند که چهار متغیر نرخ بالای مالیات، پیچیدگی قوانین و مقررات، نبود سرمایه اجتماعی و تورم با فرار مالیاتی رابطه دارند.

وکیلی فرد و همکاران (۱۳۸۷) در بررسی تأثیر انجام حسابرسی مالیاتی بر وقفه مالیاتی قانونی (مطالعه موردی اداره کل امور مالیاتی مؤدیان بزرگ) بیان نموده است: "به موجب ماده ۲۷۲ ق . م . م مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۸، استفاده از خدمات حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی در نظام مالیاتی کشور مجدداً احیاء شد. از طرفی نیز با توجه به تغییرات ارزش پولی در زمان‌های مختلف بر اساس تعیین سطح عمومی قیمت‌ها، وقفه وصول

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

درآمدهای مالیاتی در یک سیستم اقتصادی، درآمد حقیقی دولت را کاهش می‌دهد، لذا ضروری است که بحث چگونگی وصول درآمدهای مالیاتی مورد بحث قرار گیرد. این تحقیق با بررسی عملکرد مالیاتی اشخاص حقوقی که از ماده ۲۷۲ ق . م . م استفاده کرده اند و مقایسه آن با سال‌های قبل از اجرای این ماده به دنبال بررسی تأثیر انجام حسابرسی مالیاتی بر وقفه قانونی مالیاتی بوده است، یافته‌های این تحقیق مبین آن است که با اجرای ماده فوق میزان وقفه قانونی مالیاتی در جامعه آماری مورد بررسی افزایش یافته است ."

۴- روش تحقیق

هدف کلی از این پژوهش، بررسی و سنجش عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی در اداره کل امور مالیاتی استان مازندران است که بر اساس مبانی نظری و مطالعات انجام شده عواملی چون ۱- پیچیدگی قوانین و مقررات مالیاتی ۲- عدم گسترش و ترویج کارآمد فرهنگ مالیاتی در جامعه ۳- نارسایی‌های موجود در فرآیندهای رسیدگی سازمان امور مالیاتی استخراج و تأثیر آن‌ها در ایجاد وقفه مالیاتی مورد بررسی و آزمون قرار گرفتند. جامعه آماری تحقیق شامل اطلاعات پرونده‌های مالیاتی فعال اشخاص حقوقی شامل ۲۲۵ سال - پرونده مربوط به ۴۵ شرکت تولیدی اداره کل امور مالیاتی استان مازندران است که دارای شرایط زیر بوده‌اند:

۱- طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲، اظهارنامه مالیات بر درآمد عملکرد سال‌های مربوطه را در موعد مقرر قانونی تسلیم واحد مالیاتی نموده باشند.

۲- طی تشریفات قانونی پرونده مالیات بر درآمد عملکرد آن‌ها، با توجه به ارائه دفاتر قانونی و اسناد و مدارک حسابداری به واحد مالیاتی مربوطه توسط مؤدی مورد رسیدگی قرار گرفته و به مرحله قطعیت رسیده باشند.

۳- مالیات قطعی شده، پرداخت یا ترتیب پرداخت آن را داده باشند.

علت انتخاب درآمد مشمول مالیات قطعی نیز آن است که برگه‌های تشخیص مالیات صادر شده توسط ادارات مالیاتی ممکن است دارای اشکالات و ایراداتی باشد یا با توجه به اختلاف نظر مؤدی با سازمان مالیاتی در ارتباط با انطباق با قوانین، مورد اعتراض مؤدیان قرار گیرد و در نتیجه ممکن است مبلغ مندرج در آن با مبلغ مندرج در برگ قطعی متفاوت باشد. در واقع با انتخاب فوق اشتباهات مأموران مالیاتی حذف و یا تأثیر آن بر نتایج حاصله کاسته می‌شود.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

جدول (۱)- تعداد کل پرونده‌های فعال شرکت های تولیدی و تعداد جامعه آماری

ردیف	شرح	تعداد کل	تعداد در جامعه آماری
۱	تعداد پرونده اشخاص حقوقی – حوزه امور مالیاتی شهرستان ساری	۵۵۱۸	۲۲۶۲۳
۲	تعداد پرونده اشخاص حقوقی فعال– حوزه امور مالیاتی شهرستان ساری	۲۶۲۴	۱۲۰۷۰
۳	تعداد پرونده اشخاص حقوقی فعال در بخش تولید – حوزه امور مالیاتی شهرستان ساری	۴۳۴	۲۰۸۳
۴	تعداد پرونده اشخاص حقوقی فعال در بخش تولید – حوزه امور مالیاتی شهرستان ساری که طی تمام سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲، اظهارنامه مالیاتی را در مهلت قانونی تسلیم اداره مالیاتی مربوطه نموده‌اند.	۳۷۹	۱۸۹۵
۵	تعداد پرونده اشخاص حقوقی فعال در بخش تولید – حوزه امور مالیاتی شهرستان ساری که طی تمام سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲، اظهارنامه مالیاتی را در مهلت قانونی تسلیم اداره مالیاتی مربوطه نموده اند و دفاتر قانونی را در مهلت قانونی به واحد مالیاتی جهت رسیدگی ارائه نموده‌اند.	۱۹۵	۶۲۴
۶	تعداد پرونده اشخاص حقوقی تولیدی – حوزه مالیاتی شهرستان ساری – که طی تمام سال‌های ۱۳۸۸ لغایت ۱۳۹۲ پس از تسلیم اظهارنامه مالیاتی طی مهلت قانونی در پاسخ به دعوتنامه واحد مالیاتی دفاتر قانونی و اسناد و مدارک حسابداری را در مهلت قانونی تسلیم واحد مربوطه داده و فرآیند صدور برگ تشخیص مالیات و سپس صدور برگ قطعی مالیات و وصول یا ترتیب پرداخت مالیات آن‌ها به اتمام رسیده است.	۴۵	۲۲۵
	جمع کل	۴۵	۲۲۵

برای آزمون فرضیات از آزمون‌های کولموگروف اسمیرنوف به منظور سنجش نرمال بودن متغیرها، به منظور تعیین تصادفی/غیر تصادفی بودن متغیر زمان از آزمون مبتنی بر ردیف‌ها (آزمون گردش)[1]، برای آزمون فرضیات از آزمون‌های ضریب همبستگی اسپیرمن، آزمون U من – ویتنی و آزمون H (کروسکال – والیس) و در نهایت برای بررسی اهمیت و اولویت تأثیرگذاری هریک از عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی از آزمون فریدمن استفاده شده است.

متغیرهای مورد بررسی در این مطالعه به دو دسته مستقل و وابسته تقسیم می شوند و جهت بررسی تأثیر هریک از آن‌ها بر وقفه مالیاتی مازاد بر زمان مقرر در قانون، با مقوله‌های زیر مورد سنجش قرار گرفته‌اند:

1.Runs Test

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

الف) پیچیدگی قوانین و مقررات مالیاتی

۱) رسیدگی مالیاتی بر اساس قبولی یا ردّ دفاتر قانونی.

۲) رسیدگی بر اساس استفاده از خدمات حسابرسی موضوع ماده ۲۷۲ ق.م.م.

۳) هزینه‌هایی که با استانداردهای حسابداری مطابقت داشته ولی با قوانین مالیاتی مطابقت ندارند.

ب) ضعف فرهنگ مالیاتی درجامعه

۱) هزینه‌هایی که با استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی مطابقت ندارند و بیانگر عدم گسترش و ترویج کارآمد فرهنگ مالیاتی در جامعه مورد بررسی می‌باشند.

ج) نارسایی‌های موجود در فرآیندهای رسیدگی سازمان امور مالیاتی کشور

۱) رسیدگی به صورت انفرادی یا گروهی

۲) مرحله قطعیت مالیات (سکوت یا تمکین، توافق با رئیس امور مالیاتی، هیأت حل اختلاف بدوی و هیأت حل اختلاف تجدید نظر)

۳) اختلاف درآمد مشمول مالیات ابرازی به درآمد مشمول مالیات تشخیصی

د) وقفه مالیاتی

جهت بررسی وقفه مالیاتی، فاصله زمان تسلیم اظهارنامه مالیاتی تسلیمی توسط مؤدیان تا وصول کامل مالیات قطعی شده مورد اندازه گیری قرار گرفته و با توجه به مرحله قطعیت پرونده مالیاتی (تمکین یا سکوت، توافق با رئیس امور مالیاتی، هیأت حل اختلاف مالیاتی بدوی و یا هیأت حل اختلاف مالیاتی تجدید نظر) حداکثر زمان مقرر در قانون برای هر یک از مراحل فوق الذکر به شرح ذیل محاسبه و با زمان وصول مالیات در پرونده مربوطه مقایسه و اگر زمان وصول مالیات در پرونده مالیاتی بیشتر از حداکثر زمان مقرر در قانون بوده باشد، به عنوان پرونده دارای وقفه مازاد بر زمان مقرر در قانون تعریف می‌گردد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

جدول (۲)- وقفه مالیاتی قانونی بر حسب مرحله قطعیت مالیات بر حسب ماه

ردیف	مرحله قطعیت	فاصله زمانی تاریخ تسلیم اظهارنامه مالیاتی تا صدور برگ تشخیص مالیات	فاصله زمانی صدور تا ابلاغ برگ تشخیص مالیات	فاصله زمانی تاریخ ابلاغ تا قبول یا اعتراض به برگ تشخیص مالیات	فاصله زمانی اعتراض به برگ تشخیص مالیات تا توافق با رئیس امور مالیاتی	فاصله زمان قطعی شدن پرونده‌های مالیاتی در هیأت های حل اختلاف بدوی یا تجدید نظر که سازمان مالیاتی مجاز به محاسبه جریمه تأخیر در پرداخت برای مؤدی می‌باشد	فاصله زمان وصول مالیات از تاریخ صدور و ابلاغ برگ قطعی – ماه	مجموع حداکثر زمان مقرر در قانون برای صدور برگ قطعی و وصول مالیات – ماه
۱	سکوت یا تمکین	۱۲	۳	۱	----	----	۴	۲۰
۲	توافق با رئیس امور مالیاتی	۱۲	۳	۱	۱	----	۴	۲۱
۳	هیأت حل اختلاف بدوی	۱۲	۳	۱	۱	۱۱	۴	۳۲
۴	هیأت حل اختلاف تجدید نظر	۱۲	۳	۱	۱	۱۱	۴	۳۲

۵- یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد حدود ۷۲ ٪ برگ تشخیص‌های صادره توسط مأموران مالیاتی منجر به اعتراض مؤدیان شده است. از این میزان، ۲۸ درصد در مرحله ممیز کلی، ۱۴/۲ درصد در هیأت‌های حل اختلاف بدوی و ۲۹/۳ درصد هیأت‌های حل اختلاف تجدید نظر به قطعیت رسیده است. حدود ۲۰٪ پرونده‌های مورد بررسی از خدمات حسابداران رسمی برای تهیه گزارشات حسابرسی مالیاتی موضوع ماده ۲۷۲ ق.م.م استفاده نموده‌اند.

جدول (۳)- آمار توصیفی داده‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی	نوع تقسیم بندی	فراوانی	درصد فراوانی
مرحله قطعیت پرونده	سکوت / تمکین به برگ تشخیص	۶۴	۲۸/۴
	توافق با رئیس امور مالیاتی	۶۳	۲۸/۰
	هیأت حل اختلاف مالیاتی – بدوی	۳۲	۱۴/۲
	هیأت حل اختلاف مالیاتی – تجدید نظر	۶۶	۲۹/۳
رسیدگی مطابق با ماده ۲۷۲ ق . م . م	فاقد گزارش حسابرسی مالیاتی ماده ۲۷۲ ق . م . م	۱۸۰	۸۰/۰
	دارای گزارش حسابرسی مالیاتی ماده ۲۷۲ ق . م . م	۴۵	۲۰/۰

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

یافته‌های توصیفی	نوع تقسیم بندی	فراوانی	درصد فراوانی
رسیدگی توسط مأمورین مالیاتی	انفرادی	۶۸	۳۰/۲
	گروهی	۱۵۷	۶۹/۸
	دارای سود ابرازی	۱۵۶	۶۹/۳
وضعیت وقفه مالیاتی	در حد مقرر در قانون	۱۵۸	۷۰/۲
	مازاد بر حد مقرر در قانون	۶۷	۲۹/۸
نحوه رسیدگی به دفاتر	دفاتر – قبولی دفتر	۱۴۵	۶۴/۴
	علی الرأس – ردّ دفتر	۸۰	۳۵/۶
جمع		۲۲۵	۱۰۰/۰

منبع: یافته‌های تحقیق

نزدیک به ۷۰ ٪ پرونده‌های مالیاتی به صورت گروهی توسط مأموران مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته است و حدود ۳۰ ٪ از پرونده‌ها به صورت انفرادی بررسی و منجر به صدور برگ تشخیص مالیات شده است. حدود ۳۰٪ مؤدیان در اظهارنامه مالیاتی تسلیمی برای عملکرد سال‌های مورد نظر زیان اعلام نموده‌اند. در حدود ۷۰٪ از پرونده‌های مالیاتی مورد بررسی، فرآیند وصول مالیات قطعی شده آن‌ها در مدت زمان مندرج در قانون مالیات‌های مستقیم (وقفه قانونی) صورت پذیرفته است و نزدیک به ۳۰٪ پرونده‌های مورد بررسی دارای وقفه مالیاتی مازاد بر زمان مندرج در قانون مالیات‌های مستقیم بوده‌اند. دفاتر قانونی ۶۴/۴٪ از مؤدیان مالیاتی توسط سازمان مالیاتی مورد قبول قرار گرفته است و مابقی پرونده‌های مالیاتی (۳۵/۶٪) فرآیند صدور برگ تشخیص مالیات آن‌ها به علت رد دفاتر قانونی از طریق علی الرأس صورت گرفته است.

جدول (۴)- متوسط زمان وصول مالیات

نحوه رسیدگی به دفاتر	متوسط زمان از تاریخ اظهارنامه تا برگ تشخیص	متوسط زمان از تاریخ اظهارنامه تا برگ قطعی	متوسط زمان از تاریخ اظهارنامه تا وصول مالیات	متوسط زمان از تاریخ صدور برگ تشخیص تا برگ قطعی	متوسط زمان از تاریخ صدور برگ تشخیص تا وصول مالیات	متوسط زمان از تاریخ صدور برگ قطعی تا وصول مالیات
قبولی دفاتر	۳۵۸	۷۰۳	۸۹۰	۳۵۵	۵۴۵	۱۹۲
رد دفاتر	۴۰۹	۸۰۸	۱/۰۰۱	۳۹۶	۵۸۷	۱۹۴

منبع: یافته‌های تحقیق

با بررسی متوسط زمان صرف شده در مراحل مختلف فرآیند وصول مالیات این موضوع مشخص می‌گردد

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

که اولاً بیشترین زمان مربوط به فرآیند صدور برگ تشخیص – از تاریخ تسلیم اظهارنامه تا تاریخ صدور برگ تشخیص – و صدور برگ قطعی – تمکین مؤدی به برگ تشخیص صادره یا بررسی اعتراضات مؤدی و صدور برگ قطعی – می‌باشد ضمناً در صورت رد دفاتر مؤدی مدت زمان فرآیند وصول مالیات افزایش خواهد یافت.

بررسی جدول ۵ نشان می‌دهد که بیشترین هزینه های رد شده در فرآیند رسیدگی مالیات مربوط به هزینه‌هایی است که ناشی از اختلاف استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی می‌باشد. گرچه هزینه‌های مغایر با استانداردهای حسابداری و قانون مالیات (ناشی از نبود فرهنگ مالیاتی) نیز در رده‌های بالای جدول فوق قرار می‌گیرد.

جدول (۵)- رتبه‌بندی هزینه‌های غیرقابل قبول به ترتیب جمع مقادیر در کل شرکت‌های رسیدگی شده

ردیف	ماده قانونی	عنوان هزینه	جمع هزینه (ریال)	درصد فراوانی
۱	۱۴۷	سایر هزینه‌های مازاد به حد نصاب مقرر قانون	۱۰۷,۴۸۹,۳۴۲,۹۷۹	۲۰/۸۹
۲	۱۴۷	در حدود متعارف متکی به مدارک نبودن	۵۷,۵۵۰,۰۲۹,۰۸۷	۱۱/۱۸
۳	۱۴۸–۱۴۷	اشتباه در محاسبه معافیت‌های قانونی	۴۹,۶۰۰,۵۹۹,۵۷۱	۹/۶۴
۴	۱۴۸	مازاد بر قانون سنوات خدمت	۴۸,۱۹۸,۳۹۷,۴۴۹	۹/۳۷
۵	۱۴۷	هزینه‌های مربوط به سنوات قبل یا آتی باشد	۴۵,۱۷۷,۲۰۰,۴۷۳	۸/۷۸
۶	۱۸–۱۴۸	سود پرداختی به اشخاص غیر از بانک‌ها	۴۰,۴۶۲,۴۱۱,۳۰۳	۷/۸۶
۷	۱۴۸–۱۴۷	تعدیلات سنواتی مؤثر بر درآمد مشمول مالیات	۲۳,۲۸۲,۱۸۷,۷۶۲	۴/۵۲
۸	۱۴۷	عدم ارتباط هزینه‌ها با درآمدهای شرکت	۲۱,۰۱۵,۷۲۴,۸۱۵	۴/۰۸
۹	۱۴۸م	زیان ناشی از تغییر در برآورد حسابداری	۱۲,۶۷۲,۴۰۴,۹۴۰	۲/۴۶
۱۰	۱۵۲	هزینه استهلاک مغایر با آیین نامه استهلاک	۱۲,۳۹۵,۳۹۲,۰۷۷	۲/۴۱
۱۱	۱۴۷	عدم انطباق با مصوبات هیأت وزیران	۱۱,۴۲۵,۲۷۶,۷۶۴	۲/۲۲
۱۲	۱۴۸	حق مأموریت مازاد بر قانون	۱۰,۴۶۱,۴۶۷,۶۶۷	۲/۰۳
۱۳	۱۴۷م	کمک‌های اهدایی به افراد خارج از مؤسسه	۹,۶۴۲,۵۹۴,۳۸۷	۱/۸۷
۱۴	۱۴۸–۲۰ تبصره یک م ۱۴۹	دارایی بودن هزینه تعمیر اساسی دارایی	۸,۲۹۸,۸۰۴,۰۴۶	۱/۶۱
۱۵	۱۴۸–۱۱	ذخیره مشکوک الوصول برخلاف ماده ۱۴۸	۷,۹۵۱,۱۱۷,۹۷۰	۱/۵۵

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

۱۶	۱۴۷ م	زیان ناشی از کاهش ارزش بر خلاف ماده ۱۴۷	۷,۱۶۲,۲۶۶,۱۹۳	۱/۳۹
۱۷	۱۴۷ م	زیان تجدید ارزیابی دارایی‌ها برخلاف ماده ۱۴۸	۶,۵۳۹,۵۶۲,۷۴۴	۱/۲۷
۱۸	۱۴۸م	پرداختی به کارکنان مازاد ماده ۱۴۸	۶,۳۷۱,۳۱۷,۳۲۱	۱/۲۴
۱۹	۷-۱۴۸	احتساب مالیات به هزینه	۴,۷۳۴,۰۵۸,۴۸۳	۰/۹۲
۲۰	۱۴۸	جبران خسارت مؤسسه بر خلاف ماده ۱۴۸	۳,۵۷۱,۹۸۷,۶۵۴	۰/۶۹
۲۱	بند۴، ماده۱۴۹	استهلاک هزینه‌های قبل بهره‌برداری غیر قابل قبول	۳,۵۲۹,۲۱۸,۵۶۵	۰/۶۹
۲۲	۱۴۷-۱۴۸	احتساب مضاعف یک هزینه	۳,۴۷۲,۲۳۲,۳۷۶	۰/۶۷
۲۳	۱۴۷م	پرداخت حقوق به افراد خارج از شرکت	۳,۳۵۴,۶۶۳,۹۷۸	۰/۶۵
۲۴	۱۴۸	مازاد ذخایر هزینه پیش بینی سنوات قبل پرداخت نشده	۳,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۰/۶۲
۲۵	۱۲-۱۴۸	استهلاک زیان سنوات قبل غیر قابل قبول	۳,۱۷۰,۷۹۹,۷۹۱	۰/۶۲
۲۶	۷-۱۴۸	جرایم پرداختی به غیر جریمه بانک	۲,۳۱۸,۹۷۴,۵۶۶	۰/۴۵
۲۷	۱۳-۱۴۷	هزینه تعمیرات اساسی در ملک	۵۳۸,۴۱۷,۹۰۰	۰/۱۰
۲۸	۱۴۸	زیان عملیات متوقف شده	۴۸۹,۱۵۱,۷۰۰	۰/۱۰
۲۹	تبصره ۲ ماده ۱۴۸	پرداخت به مدیران غیرمؤظف تبصره ۲ ماده ۱۴۸	۲۵۰,۹۳۵,۵۹۸	۰/۰۵
۳۰	۱۴۸-۱۴۷	اشتباه محاسبه بین هزینه با هزینه مندرج در دفاتر	۱۸۶,۳۰۳,۸۰۹	۰/۰۴
۳۱	۱۴۸	مازاد بر ۳ ٪ حقوق سالانه پس انداز کارکنان	۴۶,۰۹۸,۰۰۰	۰/۰۱
۳۲	۱۴۸-۱۴۷	سود زیان تعویض دارایی‌های مشابه برخلاف ماده ۱۴۸	۰	۰/۰۰
۳۳	۱۴۷	تعدیل درآمد فروش اقساطی به تعهد سالانه	۰	۰/۰۰
۳۴	۱۴۸	حذف سود زیان تحقق نیافته بین شرکت اصلی و فرعی	۰	۰/۰۰
جمع			۵۱۴,۵۵۸,۹۳۹,۹۶۸	۱۰۰/۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف به منظور سنجش آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش استفاده شد. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنف (K - S) بیانگر آنست که داده‌های جامعه آماری نرمال نمی‌باشند. لذا در بررسی و آزمون فرضیات تحقیق از آزمون های ناپامتریک استفاده شده است. سپس جهت روشن شدن این موضوع که زمان‌های (وقفه‌های) وصول مالیات دارای تغییرات تصادفی یا غیر تصادفی می‌باشند، از آزمون مبتنی بر ردیف‌ها (آزمون گردش)[1] بهره بردیم.

1. Runs Test

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

جدول (۶)- نتایج آزمون مبتنی بر ردیف‌ها (آزمون گردش)

	زمان از تاریخ اظهارنامه تا برگ تشخیص	زمان از تاریخ اظهارنامه تا برگ قطعی	زمان از تاریخ اظهارنامه تا وصول مالیات	زمان از تاریخ صدور برگ تشخیص تا برگ قطعی	زمان از تاریخ صدوربرگ تشخیص تا وصول مالیات	زمان از تاریخ صدوربرگ قطعی تا وصول مالیات
مقدار میانه	۳۶۶	۵۸۳	۷۸۰	۲۱۹	۴۱۸	۱۹۱
تعداد موارد کمتر از میانه	۱۰۳	۱۱۲	۱۱۲	۱۱۲	۱۱۲	۱۰۷
تعداد موارد بزرگتر یا مساوی میانه	۱۲۲	۱۱۳	۱۱۳	۱۱۳	۱۱۳	۱۱۸
کل داده‌ها	۲۲۵	۲۲۵	۲۲۵	۲۲۵	۲۲۵	۲۲۵
تعداد ردیف‌ها (گردش‌ها)	۷۶	۸۷	۸۳	۸۷	۸۷	۹۲
آماره Z	-۴/۹۳۹	-۳/۵۴۱	-۴/۰۷۶	-۳/۵۴۱	-۳/۵۴۱	-۲/۸۴۴
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴

منبع: یافته‌های تحقیق

باتوجه به نتایج مبتنی بر ردیف‌ها (آزمون گردش)، سطح معناداری هریک از متغیرهای زمان مربوط به فاصله مراحل وصول مالیات کمتر از ۵٪ می‌باشد، لذا آرایش داده‌ها تصادفی نبوده و متأثر از عواملی می‌باشد که در ادامه تحقیق به سنجش آن‌ها خواهیم پرداخت.

فرضیه اول: پیچیدگی قوانین و مقررات مالیاتی بر وقفه مالیاتی مؤثر است.

جهت بررسی تأثیر پیچیدگی قانون بر وقفه مالیاتی، از سه فرضیه فرعی زیر استفاده می‌شود:

فرضیه فرعی اول: نحوه رسیدگی بر اساس قبولی یا ردّ دفاتر بر وقفه مالیاتی مؤثر است.

فرضیه فرعی دوم: نحوه رسیدگی بر اساس استفاده از خدمات حسابرسی موضوع ماده ۲۷۲ ق.م. م و وقفه مالیاتی مؤثر است.

برای آزمون فرض فرعی اول و دوم ازآزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. جدول زیر نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن را نشان می‌دهد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

جدول (۷)- نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن فرضیه فرعی اول و دوم

متغیر ها	تعداد	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری	نتیجه
نحوه رسیدگی مالیاتی بر اساس قبولی یا ردّ دفاتر قانونی	۲۲۵	۰/۱۴۶	۰/۰۲۹	تایید فرضیه
نحوه رسیدگی بر اساس استفاده از خدمات حسابرسی موضوع ماده ۲۷۲ ق . م . م	۲۲۵	۰/۰۶۳	۰/۳۴۶	ردّ فرضیه

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون فرضیه فرعی اول و دوم در جدول ۷ نشان می‌دهد که عامل نحوه رسیدگی مالیاتی بر اساس قبولی یا ردّ دفاتر قانونی بر وقفه مالیاتی مؤثر است و رابطه همبستگی بسیار پایین مستقیم با وقفه مالیاتی دارد. بنابراین فرضیه فرعی اول تأیید می‌شود ولی فرضیه فرعی دوم تایید نمی‌شود. یعنی عامل نحوه رسیدگی بر اساس استفاده از خدمات حسابرسی موضوع ماده ۲۷۲ ق.م.م بر وقفه مالیاتی مؤثر نیست.

فرضیه فرعی سوم: اختلاف استانداردهای حسابداری با قوانین مالیاتی بر وقفه مالیاتی مؤثر است.

باتوجه به نتایج آزمون U من – ویتنی در جدول ۸، چون سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است، بنابراین فرضیه فرعی سوم تأیید می‌شود، یعنی عدم تساوی میانگین مجموع هزینه‌هایی که با استانداردهای حسابداری مطابقت داشته ولی با قانون مالیات مطابقت ندارند، به علاوه سود مشمول مالیات ابرازی در پرونده‌های دارای وقفه کمتر از زمان مقرر در قانون و مازاد زمان مقرر در قانون، برای شرکت‌هایی که دفاتر آن‌ها مورد قبول واقع شده است، مورد تائید قرار می‌گیرد و می‌توان نتیجه گرفت اختلاف استانداردهای حسابداری و قانون مالیات‌های مستقیم بر وقفه مالیاتی کمتر یا مازاد بر زمان مقرر در قانون تأثیر دارد. با توجه به نتایج آزمون این فرضیه می‌توان نتیجه گرفت که اختلاف استانداردهای حسابداری و قانون مالیات‌های مستقیم بر وقفه مالیاتی تأثیر دارد.

جدول (۸)- نتایج آزمون U من –ویتنی فرضیه فرعی سوم

شاخص	تعداد	میانگین	آماره U من – ویتنی	آماره W ویلکاکسن	سطح معنی‌داری	آماره Z	نتیجه
پرونده‌های دارای وقفه کمتر از زمان مقرر در قانون	۱۰۹	۶۶/۲۲	۱۲۳۰/۰۰۰	۷۲۲۵/۰۰۰	۰/۰۰۱	-۳/۳۵۱	تفاوت معنی‌داری وجود دارد
پرونده‌های دارای وقفه بیشتر از زمان مقرر در قانون	۳۶	۹۳/۵۳					

منبع: یافته‌های تحقیق

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

به‌طور کلی نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول بیانگر آنست که پیچیدگی قوانین درخصوص نحوه رسیدگی (قبول دفاتر یا علی الرأس) و نیز اختلاف استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی بر وقفه مالیاتی مؤثر می‌باشد.

فرضیه دوم: عدم گسترش و ترویج کارآمد فرهنگ مالیاتی درجامعه در ایجاد وقفه مالیاتی مؤثر است.

با توجه به نتایج آزمون این فرضیه در جدول می‌توان نتیجه گرفت که عدم گسترش و ترویج کارآمد فرهنگ مالیاتی درجامعه بر وقفه مالیاتی مؤثر می‌باشد.

جدول(۹)- نتایج آزمون U من –ویتنی فرضیه دوم

شاخص	تعداد	میانگین	آماره U من – ویتنی	آماره W ویلکاکسن	سطح معنی‌داری	آماره Z	نتیجه
پرونده‌های دارای وقفه کمتر از زمان مقرر در قانون	۱۰۹	۶۵/۸۲	۱۱۷۹/۰۰۰	۷۱۷۴/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۳/۵۸۴	تفاوت معنی‌داری وجود دارد
پرونده‌های دارای وقفه بیشتر از زمان مقرر در قانون	۳۶	۹۴/۷۵					

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج آزمون U من – ویتنی در جدول۹، چون سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است، بنابراین فرضیه دوم تأیید می‌شود و عدم تساوی میانگین مجموع هزینه هایی که با استانداردهای حسابداری و قانون مالیات مطابقت ندارند، به علاوه سود مشمول مالیات ابرازی (ناشی از نبود فرهنگ مالیاتی) در پرونده‌های دارای وقفه کمتر یا مازاد بر زمان مقرر در قانون برای شرکت‌هایی که دفاتر آن‌ها مورد قبول واقع شده است، مورد تأیید قرار می‌گیرد و می‌توان نتیجه گرفت فرهنگ مالیاتی بر وقفه مالیاتی کمتر یا مازاد بر زمان مقرر در قانون تأثیر دارد.

فرضیه سوم: نارسایی‌های موجود در فرآیند رسیدگی سازمان امور مالیاتی در ایجاد وقفه مالیاتی مؤثر است؛

جهت بررسی تاثیر نارسایی‌های موجود در فرآیند رسیدگی در سازمان مالیاتی بر وقفه مالیاتی، از سه فرضیه فرعی زیر استفاده شده است:

فرضیه فرعی چهارم: رسیدگی پرونده‌های مالیاتی به صورت انفرادی/گروهی بر وقفه مالیاتی مؤثر است.

فرضیه فرعی پنجم: مرحله قطعیت مالیات (سکوت یا تمکین، توافق با رئیس امور مالیاتی، هیأت حل

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

اختلاف بدوی و هیأت حل اختلاف تجدید نظر) بر وقفه مالیاتی مؤثر است.

جدول (۱۰)- نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن فرضیه فرعی چهارم و پنجم

متغیرها	تعداد	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری	نتیجه
رسیدگی به صورت انفرادی یا گروهی	۲۲۵	۰/۰۴۸	۰/۴۷۷	رد فرضیه
مرحله قطعیت مالیات	۲۲۵	۰/۶۸۳	۰/۰۰۰	تایید فرضیه

منبع: یافته‌های تحقیق

باتوجه به نتایج آزمون فرضیه فرعی چهارم می‌توان نتیجه گرفت که رسیدگی پرونده‌های مالیاتی به صورت انفرادی/گروهی بر وقفه مالیاتی مؤثر نیست. بنابراین فرضیه فرعی چهارم مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. اما فرضیه فرعی پنجم مورد تأیید قرار می‌گیرد. یعنی مرحله قطعیت مالیات (سکوت یا تمکین، توافق با رئیس امور مالیاتی، هیأت حل اختلاف بدوی و هیأت حل اختلاف تجدید نظر) بر وقفه مالیاتی مؤثر است و مرحله قطعیت مالیات همبستگی معنادار متوسط مستقیم با وقفه مالیاتی دارد.

فرضیه فرعی ششم: اختلاف درآمد مشمول مالیات ابرازی با درآمد مشمول مالیات تشخیصی بر وقفه مالیاتی مؤثر است.

جدول (۱۱)- نتایج آزمون H (کروسکال -والیس) فرضیه فرعی ششم

میانگین درصد اختلاف درآمد مشمول مالیات ابرازی به تشخیصی	میانگین رتبه‌ها	سطح معنی‌داری	کای-اسکوئر	درجه آزادی
شرکت‌های دارای وقفه کمتر از زمان مقرر در قانون	۱۱۲/۶۴	۱	۰/۰۱۶	۰/۸۹۹
شرکت‌های دارای وقفه بیشتر از زمان مقرر در قانون	۱۱۳/۸۴			

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج آزمون H (کروسکال – والیس) در جدول۱۱ چون سطح معنی‌داری بزرگتر از ۵ درصد است و فرضیه فرعی ششم تأیید نمی گردد، در نتیجه اختلاف درآمد مشمول مالیات ابرازی و تشخیصی بر وقفه مالیاتی مازاد بر زمان مقرر در قانون تأثیری ندارد.

به‌طور کلی با توجه به نتایج این فرضیه، مرحله قطعیت مالیات بر وقفه مالیاتی مازاد بر زمان مقرر در قانون مؤثر می‌باشد.

به منظور بررسی اهمیت و اولویت تأثیرگذاری هریک از عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی، آزمون فریدمن انجام شده است.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

جدول (۱۲)- نتایج آزمون فریدمن

اهمیت متغیر	عامل مؤثر بر وقفه مالیاتی مازاد بر زمان مقرر در قانون	میانگین رتبه‌ها	تعداد	درجه آزادی	کای-اسکوئر	سطح معنی‌داری
۱	نحوه رسیدگی – دفاتر / علی الرأس	۱/۹۰	۲۲/۵	۵	۳۵۶/۴۶۹	۰/۰۰۰
۲	مرحله قطعیت مالیات	۲/۴۷				
۳	اختلاف استانداردهای حسابداری و قانون مالیات‌های مستقیم	۴/۰۶				
۴	عدم گسترش و ترویج کارآمد فرهنگ مالیاتی	۴/۳۶				

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج آزمون فریدمن در جدول ۱۲، چون سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد است، در نتیجه عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی مازاد بر زمان مقرر در قانون مالیات‌های مستقیم دارای اولویت یکسان نبوده و هرچقدر میانگین رتبه‌های هر متغیر کوچک تر باشد، اهمیت آن متغیر بیشتر است.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این تحقیق ما به دنبال بررسی و سنجش عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی با طیف وسیعی از متغیرهای مستقل مرتبط با شرکت‌های مورد بررسی و افراد درگیر در تعیین سود ابرازی و تشخیص درآمد قطعی و وصول مالیات و همچنین اختلافات ناشی از اختلاف بین قانون مالیات‌های مستقیم و استانداردهای حسابداری و نقش فرهنگ و کارآمدی سازمان مالیاتی و میزان تأثیرگذاری هریک از این عوامل در اداره کل امور مالیاتی استان مازندران که مشتمل بر ۲۲۵ سال پرونده مالیاتی مربوط به ۴۵ شرکت بوده‌ایم. در این تحقیق با توجه به نرمال نبودن متغیرهای تحقیق بر حسب نتایج آزمون کولموگروف–اسمیرنف (K - S)، پس از جمع‌آوری اطلاعات و محاسبه متغیرهای اصلی تحقیق، به کمک نرم افزار SPSS و آزمون های مبتنی بر ردیف‌ها (آزمون گردش– Runs Test)، U (من – ویتنی)، H (کروسکال– والیس) و فریدمن به بررسی نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق باتوجه به تقسیم فرضیه ها به فرضیه‌های متعدد پرداخته شده است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی اول در این پژوهش بیانگر آنست که پیچیدگی قوانین در خصوص نحوه رسیدگی – قبول دفاتر یا علی الرأس – و نیز اختلاف استانداردهای حسابداری و قانون مالیاتی بر وقفه مالیاتی مؤثر می‌باشد که با نتایج تحقیق فیل سرایی و مجردی (۱۳۹۶)، هادیان و تحویلی (۱۳۹۲) مطابقت دارد.نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی دوم نشان می‌دهد فرهنگ مالیاتی بر وقفه مالیاتی کمتر یا مازاد بر زمان مقرر در قانون تاثیر دارد که با نتایج تحقیق فیل سرایی و مجردی (۱۳۹۶)، سلطان حسینی و همکاران (۱۳۹۴)، هادیان و تحویلی (۱۳۹۲)

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

مطابقت دارد. نتایج فرضیه سوم نشان می‌دهد نارسایی‌ها و ناکارآمدی‌های موجود در سازمان امور مالیاتی در ایجاد وقفه مالیاتی مؤثر است که با نتایج تحقیق امین رشتی و ارشد (۱۳۹۲) و ریچاردسون (۲۰۰۶) همخوانی دارد.

با دقت نظر در نتایج بدست آمده از آزمون فرضیات تحقیق روشن می‌شود که بیشترین زمان صرف شده در فرآیند وصول مالیات اولاً مربوط به زمان رسیدگی پرونده (فاصله تسلیم اظهارنامه مالیاتی توسط مؤدی و صدور برگ تشخیص) و ثانیاً مربوط به زمان قطعیت پرونده (بعد از ابلاغ برگ تشخیص و بررسی اعتراض مؤدی و صدور برگ قطعی – می‌باشد که اولی مربوط به پیچیدگی قانون (نحوه رسیدگی به دفاتر یا علی‌الرأس و اختلاف استانداردهای حسابداری و قانون مالیات) و نیز کارآمدی سازمان مالیاتی (حجم زیاد پرونده‌ها و عدم برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی پرونده‌ها جهت رسیدگی) و دومی علاوه بر عوامل فوق مربوط به گسترش فرهنگ مالیاتی می‌باشد. با توجه به هزینه‌های غیرقابل قبول طی فرآیند رسیدگی مالیاتی و نتایج آزمون فریدمن پیچیدگی قوانین بیشترین تأثیر را بر ایجاد وقفه مالیاتی دارا می‌باشد علاوه بر آن کارآمدی سازمان مالیاتی – مرحله قطعیت مالیات (چه در بعد تدوین قانون، نامشخص و نامحدود بودن زمان مراحل مختلف به ویژه در مراحل بررسی اعتراض مؤدی در هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی و ابلاغ برگ قطعی و چه در بعد اجرا، حجم زیاد پرونده‌ها و در مواردی فاقد صرفه و بهره‌وری اقتصادی) و نیز عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در بین مؤدیان بر وقفه مالیاتی مؤثر می‌باشند. در پایان در خصوص عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی و کاهش آن به حداقل مقدار ممکن موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱. حذف رسیدگی از طریق علی‌الرأس و قبولی دفاتر قانونی مؤدیان و پذیرش بخش عمده‌ای از اظهارنامه‌های مالیاتی که دارای رتبه ریسک پایینی هستند و همچنین بر اساس معیارها و شاخص‌های تعیین شده مورد تأیید سازمان مؤدیان دارای بیشترین رتبه ریسک مورد حسابرسی مالیاتی قرار گیرند؛

۲. تعیین مهلت قانونی نسبت به مراحلی از رسیدگی و قطعیت پرونده‌های مالیاتی که فاقد زمان‌بندی مناسب در قانون مالیات‌های مستقیم می‌باشد؛

۳. پیگیری تغییرات در قوانین موضوعه و متناسب‌سازی آن‌ها با شرایط روز اقتصادی جامعه و استانداردهای حسابداری و حسابرسی؛

۴. افزایش اعتماد عمومی جامعه درخصوص عدالت مالیاتی و توزیع مناسب درآمد مالیاتی با اصلاح قوانین و آگاهی‌رسانی و فرهنگ‌سازی مستمر؛

۵. تدوین برنامه جامع رسیدگی به پرونده‌های مالیاتی جهت استفاده بهینه از توان تخصصی کادر تشخیص؛

۶. بازنگری و اصلاح و تدوین قانون مالیات‌ها در خصوص کاهش تاخیرات قانونی مالیات‌ها به حداقل مقدار ممکن و بر حسب گروه‌های مختلف؛

۷. کاهش مهلت مقرر برای تسلیم اظهارنامه مالیاتی موضوع ماده ۱۱۰ ق.م.م و یا وصول مالیات‌ها به صورت

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

فصلی به صورت درصدی از مالیات قطعی سنوات قبل؛

۸. تعیین مشوق‌ها و جرایم متناسب با شرایط اقتصادی برای مؤدیان مالیاتی جهت ارائه به موقع اطلاعات فعالیت‌های اقتصادی خود و اشخاص ثالث و همچنین اظهارنامه‌های واقعی متکی به مدارک و مستندات

۹. تسهیل و ساده‌سازی امور در فرآیند مالیات ستانی وتقویت ضمانت های اجرایی مالیات ستانی از طریق تلقی فرار از پرداخت مالیات به عنوان جرم عمومی و مکلف نمودن تمام دستگاه‌های اجرایی به استیفای حقوق عمومی (مالیات).

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

فهرست منابع

۱. امین رشتی، نارسیس، ارشد، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی کارایی سیستم مالیاتی در ایران با توجه به وقفه‌های مالیاتی، فصلنامه علوم اقتصادی، سال هفتم، شماره۲۴، ۱۳۹-۱۵۹.

۲. بهاءالدین، بهادر (۱۳۸۳). بررسی و محاسبه ظرفیت بالقوه مالیات حقوق و دستمزد در استان فارس، وزارت امور اقتصادی و دارایی ، معاونت امور اقتصادی.

۳. ثانی، باقر (۱۳۹۲). برآورد وقفه‌های درآمد مالیاتی مشاغل در استان تهران، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال اول، شماره ۴، ۷۳ – ۹۴.

۴. حمیدی، ناصر، محمدزاده، امیر، محمدی، فاطمه (۱۳۹۴). جلوگیری از فرار در نظام مالیات بر ارزش افزوده (مطالعه موردی استان قزوین)، پژوهشنامه مالیات، شماره بیست و هفتم (مسلسل ۷۵)،۱۴۷-۱۶۶.

۵. زمانی، احمد، کلانتری، محسن (۱۳۷۸). اندازه گیری وقفه‌های قانونی مالیاتی و آثار منفی آن در ایران، مجله پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۱۱، ۶۷ – ۸۷.

۶. سلطان حسینی، محمد، سلیمی، مهدی، اعتمادی، مریم (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای مدیریت ورزشی، نشریه مدیریت ورزشی، دوره ۷، شماره۳، ۴۳۷-۴۵۶.

۷. فیل سرایی، مهدی، مجردی، سحر (۱۳۹۶). بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی بر عدالت اجتماعی از دیدگاه کارکنان اداره کل امور مالیاتی استان خراسان شمالی، مجله علمی تخصصی مدیریت، اقتصاد و حسابداری، سال دوم، شماره ۲۳، جلد ۱ ، ۱- ۲۰.

۸. کریمی پتانلار، سعید، گیلک حکیم آبادی، محمدتقی، صابرنوچمنی، فاضل (۱۳۹۴). بررسی تأثیر اثربخشی دولت بر کاهش فرار مالیاتی در کشورهای منتخب، پژوهشنامه مالیات، شماره۲۷، ۶۳-۹۰.

۹. وکیلی فرد، حمیدرضا و همکاران (۱۳۸۷)، تأثیر انجام حسابرسی مالیاتی بر وقفه مالیاتی قانونی (مطالعه موردی اداره کل امور مالیاتی مؤدیان بزرگ)، فصلنامه مالیات، دوره جدید، شماره اول (مسلسل ۴۹)، ۹۳- ۱۲۰.

۱۰.هادیان، ابراهیم، تحویلی، علی (۱۳۹۲). شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران، فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، سال هجدهم، شماره۲، ۳۹-۵۸.

11. Adebisi, J. F., Gbegi, D. O. (2013). The Effect of Tax Avoidance and Tax Evasion on Personal Income Tax Administration in Nigeria, American Journal of Humanities

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]

and Social Sciences, 1(3), 125-134.

12. Cao Duk, Nguen (2009). Tax System Reforms in Japan, Japan Center for Economic Research, August 2009.
13. Christodoulakis, Nicos M. (1994). Tax Collection Lags and the Revenue-Maximizing Inflation, Empirical Economics, Vol. 19, Issue 3, 329-342.
14. Choudhry, N. N. (1991). Collection Lag, Fiscal Revenue and Inflationary Financing, IMF Working Paper, No. 41.
15. Muazzam, Mughal M., Akram, M. (2012). Reasons of Tax Avoidance and Tax Evasion: Reflections from Pakistan, Journal of Economics and Behavioral Studies, 4(4), 217-222.
16. Okoeguale, Ibadin P., Eiya, O. (2013). Tax Evasion and Avoidance Behaviour of the Self-employed Nigerians, European Journal of Business and Management, 5(6), 1- 14.
17. Ravisankar, P., Ravi, V., Rao, R., Bose, I. (2011). Detection of Financial Statement Fraud and Feature Selection using Data Mining Techniques. Decision Support Systems, Vol. 50, No. 2, 491–500.
18. Richardson, G. (2006). Determinants of Tax Evasion: A Cross-country Investigation. Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, Vol. 15, 150–169.
19. Saidu, S., Dauda, U. (2014). Tax Evasion and Governance Challeneges in the Nigerian Informal Sector, Journal of Finance and Economics, 2(5), 156-161.
20. Tanzi, V. (1978). Inflation, Real Tax Revenue and the Case for Inflationary Finance: Theory with an Application to Argentina, IMF Staff Paper, Vol. 25.
21. Uadiale, O. M., Fagbemi, T. O., Ogunleye, J. O. (2010). An Empirical Study of the Relationship between Culture and Personal Income Tax Evasion in Nigeria, European Journal of Economics, 20(3), 12-117.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-01-02]